

لزوم پی‌ریزی بنیاد استراتژیک برای یادگیری دیجیتال و راه‌حل‌های مدیریت دانش

مهدی عسگرخانی

CPIT، کرایست چرچ، زلاندنو

چکیده

این مقاله اهمیت پی‌ریزی بنیاد استراتژیک برای برنامه‌ریزی یا توسعه یادگیری دیجیتال یا راه‌حل‌های مدیریت دانش را بیان می‌نماید. نیز به مسائل کلیدی یادگیری الکترونیک و مدیریت دانش از طریق بحث در مراحل مختلف (فناوری) و مزایای بالقوه یادگیری الکترونیک؛ وضعیت صنعت یادگیری الکترونیک؛ مقوله و سلسله مراتب (اجزاء) مدیریت دانش؛ تقسیم دیجیتال؛ و التزام مدیریت دانش بر روی یادگیری الکترونیک می‌پردازد. نیز مؤید اهمیت رویکرد استراتژیک در جهت معرفی یادگیری الکترونیک و مدیریت دانش از طریق بررسی برخی علل بالقوه شکست و پیشنهاد چارچوبی جهت ایجاد بنیادی استراتژیک برای یادگیری الکترونیک و مدیریت دانش می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: یادگیری دیجیتال، مدیریت دانش، یادگیری الکترونیک، بنیاد استراتژیک، تقسیم دیجیتال



مربیان و فن‌شناسان آموزشی (به عنوان مثال باینتون (۲۰۰۱)، روزنبرگ (۲۰۰۱)، هیگینز (۲۰۰۲)، برنز و همکاران (۲۰۰۱)، و دابز (۲۰۰۰)) بر این عقیده‌اند که شیوه‌های یادگیری در شرف تغییراتی عظیم هستند. امروزه، دانش و مهارت‌های اکتسابی ما در خطر منسوخ شدن هستند، که این خود ما را ملزم به یادگیری مستمر می‌نماید. اغلب رویکردهای سنتی یادگیری برای پاسخ به چالش‌های امروزی در زمینه افزایش کیفیت و کارایی در توسعه، کسب یا انتشار دانش کافی نیست. در اغلب موارد، راه حل مناسب از طریق به‌کارگیری فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) میسر شده است.

در سال‌های اخیر پیشرفت‌های سریع در ICT مشارکت چشمگیری در رشد متناوب شبکه‌های رایانه و ظهور جهانی متصل داشته است. اینترنت نیز از شبکه‌ای برای محققان و دانشگاهیان به سکویی برای کسب و کارهای جدید جهت ارائه متفاوت خدمات و محصولات تغییر ماهیت یافته است. نیز شاهد تغییر نگرش در چگونگی مدیریت و انتقال دانش بوده‌ایم. اینترنت و فناوری مبتنی بر وب تأثیر بسزایی در چگونگی عملکرد مؤسسات آموزشی داشته‌اند. بدین ترتیب این امکان برای بسیاری از مؤسسات آموزشی (در کشورهای مجهز به ICT) فراهم آمد تا روش‌های جدیدی برای ارائه مدیریت دانش مبتنی بر وب و فرصت‌های آموزش از طریق وب ابداع نمایند.

به نظر می‌رسد خوش‌بینی قابل توجهی در زمینه مدیریت دانش بین فن‌شناسان و برنامه‌ریزان استراتژیک وجود دارد. آنها شبکه‌سازی جهانی و راه‌حل‌های مبتنی بر وب را کاتالیستی برای پاسخ‌گویی به چالش‌های امروز مدیریت دانش و یادگیری دیجیتال می‌دانند. این امر با پیدایش مؤسسات آموزشی و سازمان‌های آموزشی مبتنی بر صنعت و ارائه راه‌حل‌های متنوع یادگیری آنلاین از سوی آنها به خوبی مشهود است. این مؤسسات استراتژی‌های متنوعی را برای ارائه خدمات خود در اختیار دارند. برخی از آنها آموزش مبتنی بر وب را به عنوان مکمل آموزش رو در رو

انتخاب نموده‌اند؛ در حالی که برخی دیگر یادگیری مبتنی بر وب را تنها رسانه خود برای ارائه آموزش انتخاب کرده‌اند.



بررسی‌های انجام شده در زمینه یادگیری الکترونیک و مدیریت دانش (به عنوان مثال مجله آموزش، عسگرخانی (۲۰۰۳)، کایزر (۲۰۰۱)، مونتادن (۲۰۰۲) و روزن (۲۰۰۲)) نشان می‌دهند که اکثر مؤسسات و سازمان‌های آموزشی حرفه‌ای (در کشورهای مجهز به ICT) اهمیت استراتژیک به‌کارگیری آموزش مبتنی بر فناوری و یادگیری از طریق برنامه‌های مبتنی بر وب را تأیید می‌نمایند. آنها بر این عقیده‌اند که یادگیری الکترونیک تغییر جهت مثبت و بنیادی در دنیای مدیریت دانش آکادمیک و حرفه‌ای به‌وجود آورده است. اما خطری نیز وجود دارد. اگر بیش از حد بر روی فناوری یادگیری الکترونیک تمرکز نموده و کمتر به مسائل و استراتژی‌های مربوطه توجه کنیم، بعید است بتوان راه‌حل‌های پیشرو و با کیفیت آموزشی ارائه داد. به‌طور کلی، به نظر می‌رسد برخی از برنامه‌ها و دوره‌های آموزش الکترونیک به طرزی انفعالی و در انزوا، و مشخصاً بدون تفکر در تأثیرات استراتژیک، توسعه جهانی، مسائل فرهنگی، تقسیم دیجیتال، و پیچیدگی سیستم‌های مدیریت دانش امروزی طراحی و پیاده‌سازی شده‌اند. در نتیجه، برخی از این راه‌حل‌ها نتوانستند انتظارات بازارهای بالقوه خود (دانش‌جویان/کارآموزان) را برآورده سازند. نظر به اهمیت مدیریت دانش و یادگیری مستمر در جامعه امروز، توسعه سیستم‌های مدیریت دانش و راه‌حل‌های یادگیری الکترونیک باید مبتنی بر بنیادی استراتژیک باشد.

